



نوشتن و نگارش

قسمت بیست و هفتم

دری پارسی نگاران هند

میرزا ابوطالب کلیم کاشانی: تولد کلیم را بین سالهای (1061/1062 هجری قمری در همدان ایران و وفات او را در سال (1073) قمری نگاشته اند، این شاعر معروف به طالبای کلیم و طالب بوده و بعضی از تذکره نویسان او را اخلاق المعانی گفته اند، اما چون بیشتر به کاشان اقامت داشت از این رو به کلیم کاشانی شهرت یافته است. آن شاعر دقیق و پر معانی صاحب تاج سبک هندی اما همدانی، آن سخن شناس هندوستان و ایران، معانی پرداز اشعار زرین دوران، ماح شاهانی چون شاه جهان آن زیور اشعار در سبک هندی ابو طالب کلیم کاشانی از جمله شاعران عالی کلام ایرانی اصلی است که در هندوستان بزبان دری پارسی اشعار بی نظیری سروده و دیوان عالی را بجا گذاشته است.



کلیم کاشانی

مقدمه و شرح حال کلیم کاشانی اقتباس از دیوان وی به تصحیح پرتو بیضانی:

دیوان ذکر شده از روی سه نسخه خطی قدیمی و نفیس به همت و پشت کار قابل تقدیر آقای بیژن ترقی فرزند جناب محمد علی ترقی موسس و مدیر کتابخانه خیام تسوید و سپس مقابله و برای چاپ آماده شده و این بنده نیز اوراق خطی که بوسیله آقای ترقی تنظیم شده بود مطالعه و بانسخه های چاپ مرحوم شهشهانی و بنگاه مطبوعات تصفی علیشاه مقابله و حتی القوة اصلاح و هر جا محتاج به توضیح و تعریفی بوده است حاشیه بدان افزوده ام و تحت نظر آقای ترقی غلط گیری و طبع و از مجموع آنچه بعرض رسیده این نسخه فراهم و بسرمایه کتابخانه خیام طبع و تقدیم خوانندگان شده است. نسخه ی حاضر با اینکه خالی از اغلاط مطبعی نیست و بعضی نسخه بدل ها و کلمات زاید در حاشیه بعضی صفحات واقع شده از حیث نظم و ترتیب احتوای بر کلیه آثار کلیم بر نسخه های چاپی دیگر رجحان دارد و تصور می رود غیر از مثنوی شهنشاه نامه کلیم سایر آثار وی در این نسخه جمع آوری شده است.

نسخه های خطی که برای چاپ اول مورد استفاده آقای ترقی قرار گرفته عبارت است از:

دو نسخه بدون تاریخ متعلق به کتابخانه شخصی دانشمند محترم آقای فخرالدین نصیری امینی که از قرائن نسخه پیداست در قرن 12 هجری نوشته شده یک نسخه قدیمی بدون تاریخ متعلق به شاعر معاصر آقای سید علی طاهری سدهی متعلق بشیوا

که بعد از اطلاع بر اقدام کتابخانه برای چاپ دیوان نسخه خود را داوطلبانه و با کمال میل و رغبت در اختیار ناشر قرار دادند و نویسنده سطور بسهم خود از این حسن توجه ایشان شکر گذاری میکنم.

به هر صورت در آن عصر که زبان فارسی در هندوستان در نهایت رواج و اعتبار بوده و زبان دولتی و درباری هند بشمار میرفت مسافرت دانشمندان و شعرای پارسی (دری) زبان به آن کشور و وجود آنها در دربار سلاطین هند امری مغتنم شمرده میشد و با آغوش باز پذیرفته میشدند چنانچه بقول مؤلف شعرالعجم روح الامین میر جمله شهرستانی در سال (1027) – از طرف جهانگیرپادشاه هند (پدر شاه جهان) به هند احضار و منصب مهمی به او داده شد.

و همین امور باعث میشد که شعرای ایران خود را به آن سرزمین برسانند. ملا عبدالرازق فیاض لاهیجی داماد ملا صدرا شیرازی لزوم مسافرت بهندوستان را چنین بیان کرده است:

**حبذا هند کعبه ی حاجات
خاصه یاران عافیت جو را
هر که شد مستطیع فضل و هنر
رفتن هند واجب است او را**

و با بر این لزومی ندارد که موجبی برای مسافرت کلیم بهندوستان فرض کنیم. همین قدر میگوئیم که وی دو مرتبه بهندوستان مسافرت کرده مرتبه ی اول در عصر سلطنت جهانگیر (نورالدین . سلطان سلیم) پدر شاه جهان که در این سفر ملازم و مصاحب امیر شاهنواز خان بن میرزا رستم صفوی از امرای ابراهیم شاه بوده و بعد از فوت او با پشیمانی به ایران مراجعت کرده و خود برای این مراجعت (و خلاص شدن از هوا پرستی هند) ماده ی تاریخ ذیل را ساخته است:

**طالب ز هوا پرستی هند
برگشت سوی مطالب آمد
تاریخ توجه عراقش
(توفیق رفیق طالب) آمد**

و نیز در غزلی چنین میگوید:

**جنون خواهد بیابان سنگ طفلان هم هوس دارد
مرا ای بخت یاری کن بمیدان صفاهان بر
(کلیم) اندر غریبی آزمودی قیمت خود را
کنون همت بورز این زیره را دیگر بکرمان بر
و نیز در غزل دیگر گوید:
آوازه گنی (کلیم) خواهم
کز هند توان باصفهان رفت**

دومین مسافرت او که منجر به مهاجرت شده دو سال بعد از مراجعت از سفر اول یعنی در سال 1030 صورت گرفته و در این مرتبه باکسی مانند میر جمله شهرستانی مصاحب و مربوط شده و شاید با اهتمام او جزو شعرای دربار منسلک و تا آخر عمر در هندوستان بسر برد.

و مسلماً ابیاتی که راجع به پشیمانی از رفتن بهند سروده مربوط بسفر اول است که با محرومیت های روبرو شده و الا در مسافرت دوم همواره مرفه و معزز بوده است.

مقام و منزلت کلیم در هندوستان

کلیم قبل از راه یافتن بدربار شاه جهان چون همواره در مصاحبت امرای بزرگی چون ظفر خان متخلص با حسن صوبه دار کشمیر و کابل و امیر شاهنواز خان بسر میبرده، بزودی در هندوستان شهرت یافته. بطوریکه محمد افضل سرخوش در تذکره کلمات الشعرا نوشته استظفر خان احسن از شعرای بزرگی که با وی ربط داشته اند مانند صائب، کلیم، قدسی و غیره تذکره ترتیب داده و آثار انتخابی هریک را بخط خود شان نویسانیده و بر پشت هر ورق تصویر شاعر را هم رسم کرده و محمد افضل سرخوش مینویسد: (یک ورق که بر او شبیه کلیم بوده فقیر دیده و صورتش را زیارت کرده ام) و بالاخره چه در سفر اول و چه در سفر دوم هندوستان در نزد سلاطین و امرا مقام محترم داشته اما آنچه از مجموع اخبار تذکره ها بر می آید مقام ملک الشعرا دربار شاه جهان بعد از وفات حاج محمد جان قدسی مشهدی (متوفی 1056) بوی اعطا گردیده. در صورتیکه در زمان حیات قدسی هم عملاً این قرب و منزلت را داشته زیرا مشاهده میشود در سال 1044 که شاه جهان با صرف یک کرور روپیه و هفت سال صرف وقت صنعتگران هند تخت معروف مرصع خود (گویا تخت طاووس) را ساخت کلیم قصیده ی در جلوس شاه جهان بر این تخت عرضه داشت و هم وزن خود یعنی 5500 روپیه صله دریافت کرد.

و حاج محمد جان قدسی یک سال بعد در برابر قصیده ی که راجع به جشن نوروز گفته بود همین مبلغ که هم وزن او بود جایزه دریافت داشت و به قول مؤلف تذکرة الشعراء سرو آزاد عجب است که این دو شاعر بزرگ همانطور که در هنر هم پایه بودند وزن بدنی آنها نیز یکسان بود.

همین طور کلیم در برابر قصیده ی که در جشن ها، خاصه جشن وزن شاه جهان گفته صلوات بزرگ و هنگفت دریافت داشته. مثلاً در موضوع عنوان شاه جهان و تعبیری که کلیم در برابر سؤال خواندگار روم راجع باین لقب کرده و شرح آن در ذیل در دیوان موجود است کلیم هم وزن خود زر دریافت میکند.

غالب اشیاء و آلات خاصه و گرانبهای سلطنتی با شعار کلیم زینت گرفته و نمونه های آن در دیوان وی موجود است. مؤلف کلمات الشعرا که تذکره خود را 32 سال بعد از وفات کلیم شروع کرده به همین موضوع اشاره کرده و گفته است کلیم در ساختن اشعار فرمایشی قدرت تام داشت.



تصویر های از مرقع گلشن

یکی از آثار پر بهای شاه جهان که بدست جهانگیر پدر وی شروع و به همت شاه جهان تکمیل شده (مرقع گلشن) است که اکنون در موزه سلطنتی ایران میباشد و شاید جزو نفایسی است که نادر شاه افشار از هند به ایران آورد.



شهاب الدین شاه جهان پادشاه تیموری هند

این مرقع را نویسنده سطور ندیده اما شرحی از آن در یکی از نشرات اداره کل باستان شناسی درج و نمونه هایی از خطوط و تصاویر آن گرد آورده شده و از آن جمله تصویر شاه جهان و فرزندش دارالشکوه میباشد. مرقع مزبور مجموعه ی گرانبهای است از خطوط اساتید و تصاویر متعدد از سلاطین و علما و هنرمندان ایران و هند و خانواده سلطنتی جهانگیر و شاه جهان که تصاویر مزبور بقلم بزرگترین نقاشان آن عصر هندوستان ترسیم شده. کلیم برای این مرقع دو قطعه سروده است که عبارات اند از:

در مدح شاه جهان و توصیف مرقع شاهی
 پرورده ی کدام بهار است این چمن
 کز بهر دیدنش نگه از هم کنیم وام
 هر خط او چو خطه ی کشمیر دلفریب
 وز حلقه ی حروف براه نظاره دام

از دیدنش نظارگیان مست میشوند
آن باده‌ایکه دایره‌ها را بود بجام
از بسکه دیده خیره شود در نظاره‌اش
نتوان شناخت دیده کدامست و خط کدام
یا قوت ثلث این خط اگر مینوشتی
مستعصمش بدیده نشاندی ز احترام
تذهیب داد شاهد خط را چه زینتی
آری شفق فزوده به حسن و جمال شام
آراسته بهشتی تصویر حوریان
حوری که باشد او را غلمان کمین غلام
چسبان شد اختلاط خط و صورتش بهم
پیچد بموی طره‌ی تصویر زلف لام
مو از زبان چو خامه نقاش سر زند
نطق از حسن صورت او سر کن دکلام
تصویر و خط چو صورت و معنی بهم قرین
وز اتحاد کرده در آغوش هم مقام
تمکین حسن اگر نشدی مانع آمدی
در باغ صفحه‌ی شاهد تصویر در خرام
چندین هزار نقش بدیع انتخاب کرد
دوران که شد مرقع شاه جهانش نام
صاحبقران ثانی از اقبال سرمدی
شاه ستاره لشکر خورشید احتشام
و این هم قطعه دوم در وصف مرقع گلشن:
نقشبند کارگاه صنع همچون زلف یار
نقش پرکاری دگر بر روی کار آورده است
از بهار گلشن فردوس رنگین نسخه‌ای
کاتب قدرت برای روزگار آورده است
نازم این زیبا مرقع را که چون روی بتان
صفحه‌اش خطی بروی نوبهار آورده است
این مرقع نیست غوصی کرده غواص قلم
یکصدف لبریز در شاهوار آورده است
محضر خوبی بخط جمله استادان رساند
میرسد قهرش سجد افتخار آورده است
روح مانی عندلیب گلشن تصویر اوست
این گلستان این چنین بلبل هزار آورده است
از تحرک خامه نقاش جادو کار او
پنجه تمثال‌ها را رعشه دار آورده است
جلد را شیرازه جمعیت خاطر از اوست
کاینچنین زیبا نگاری در کنار آورده است
طرح این گلشن شه جنت مکان کرد از نخست
اینزمان لیکن گل اتمام بار آورده است
حس سعی ثانی صاحبقران شاه جهان
آب شادابیش اندر جویبار آورده است
آن شهنشاهی که این پیر مرقع پوش چرخ
نقد انجم بردش بهر نثار آورده است
باد عهد دولتش پیوسته تاروز شمار

کو بعالم رسم جود بيشمار آورده است
سید همایون شاه (عالمی)
11 جون 2010 م
وزیر اکبر خان مینه
کابل - افغانستان